



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۱	تاریخ	۱۴۰۱/۰۷/۲۵
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره و اخواتها				
عنوان ۴	بررسی حجیت بنای عقلاء - بررسی حجیت عرف عقلاء				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

گفتیم بنائات عقلاییه بر چند قسم است. آن بنای عقلایی که تمام عقلاء بر آن اتفاق دارند، می توان گفت کاشف از حکم عقل است و می تواند موضوع ملازمه بین حکم عقل و شرع باشد.

نوع دوم بناء عقلایی، بنای عقلایی غیر متفق علیه در بین عقلاء و غیر معاصر با معصوم است. گفتیم چنین بنای عقلایی که غیر معاصر با زمان معصوم است، نمی تواند دارای حجیت باشد؛ زیرا حجیت بنائات عقلاییه یا سیره های عقلاییه، و کاشفیت آنها از حکم شرعی، بر اساس دو دلیل است.

دلیل اول اینکه گفته شود سکوت شارع نسبت به سیره عقلاییه، ظهور حالی در تأیید آن سیره دارد؛ لذا ظهور حالی، مانند ظهور کلامی در بیان حکم شرعی می شود و حجیت خواهد داشت. این مبنا، در چنین بنای عقلایی ای جاری نیست؛ یعنی سکوت معصوم نسبت به بنای عقلایی که معاصر معصوم نیست، ظهور حالی در تأیید آن ندارد.

دلیل دیگری در حجیت سیره وجود دارد این است که گفته شود اگر سیره ای مبنی بر حکمی در بین عقلاء وجود داشته باشد که برخلاف حکم شارع است، بر اساس قاعده لطف، بر شارع لازم است که حکم خود را بیان کند. خدای متعال، رسول را فرستاده که گفته نشود که:

﴿لَوْلَا أَرْسَلْتُ إِلَيْنَا رَسُولًا فَقَتَّبَعِ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى﴾؛

پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم.

برگشت قاعده لطف به همین آیه است. اگر خداوند رسولی نمی فرستاد و در نتیجه عدم وجود رسول و عدم ابلاغ احکام شرعی، مردم به خطا، انحراف و فساد دچار می شدند، جا داشت مردم از خدا گله کنند که چرا برای ما رسولی نفرستادی که ما را از این مهلکه ها نجات دهد. عقل حکم می کند که باید خدای متعال بیانی بفرستد که مردم را از مهلکه نجات دهد.

بنابراین اگر سیره‌ای وجود داشته باشد که شارع مخالف با آن باشد اما مخالفت خود را بیان نکند، مردم حق دارند بگویند که چرا بیانی برای ما نفرستادی که مانع وقوع ما با مخالفت حکم خدا یا ادخال در مهلکه شود؛ لذا این قاعده اقتضاء می‌کند که اگر شارع با سیره مخالف است، مخالفت خود را بیان کند؛ اگر مخالفت خود را بیان نکند، موجب دخول در مهلکه و انحراف است و عدم بیانی است که منجر به چنین مفسده‌ای می‌شود.

این استدلالی که برای حجیت سیره عقلاییه بیان می‌شود، در بنائات عقلاییه جاری نیست؛ همانطوری که در سیره عقلاییه نیز به نظر ما جاری نیست.

جواب این استدلال در بنائات عقلاییه این است که ممکن است خدای متعال و رسول خدا صلی الله علیه و آله و اولیای خدا علیهم السلام، در مقام بیان به همان اطلاقات و عمومات و یا لاقلاً به اصول عملیه اکتفا کرده باشند. در هر جایی که عقلاء شک کنند، مجرای یکی از اصول عملیه خواهد بود و یکی از اصول عملی جاری خواهد شد؛ این نیز خود بیان است و احتمال دارد شارع در مقام بیان به همان‌ها اکتفاء کرده باشد. به عبارت دیگر این سکوت شارع، شاید اتکالاً بر عمومات و اطلاقات و اصول عملیه‌ای که شارع بیان کرده است باشد؛ بنابراین قاعده لطف در بنائات عقلاییه جاری نخواهد شد.

اگر بنای عقلایی، تبدیل به سیره شود، مشکلی که وجود دارد این است که سکوت نسبت به سیره - اگر برخلاف حکم شرعی باشد - ظهور حالی در تأیید سیره دارد؛ لذا بر شارع لازم است که مخالفت خود را بیان کند؛ اما سکوت نسبت به بنای صرفی که به سیره تبدیل نشده است، ظهور حالی در تأیید آن ندارد. در قاعده لطف نیز می‌گوییم عدم ردع شارع شاید به دلیل اکتفاء بر عمومات و اطلاقات و یا بیاناتی که در اصول عملیه بیان کرده است باشد. لذا اگر سیره عقلاییه‌ای برخلاف اصل استصحاب بود، ممکن است شارع به همان ادله بیان قاعده استصحاب اکتفا کرده باشد و نیازی به ردع جداگانه این سیره ندیده باشد.

خلاصه اینکه در حجیت سیره، دو نکته وجود دارد: یا ظهور حالی است که این ظهور حالی در بنای عقلاء جاری نمی‌شود؛ سکوت در برابر یک بنای ذهنی که تبدیل به عمل نشده، ظهور حالی بر رضایت نسبت به آن ندارد؛ بخلاف سیره، که اگر شارع در برابر این عمل مخالف حکم شرعی، سکوت کند، می‌توان ادعای ظهور حالی بر رضایت کرد. دلیل دیگری که می‌توان برای حجیت سیره به آن استناد کرد، قاعده لطف و لزوم بیان حکم شرعی است؛ اما این قاعده در بنای عقلاء جاری نمی‌شود؛ زیرا در بنای عقلاء می‌توان گفت که شارع در مقام بیان به اطلاقات و عمومات و ادله اصول عملیه اکتفاء کرده است و دلیلی وجود ندارد که بگوید ما در رد بنای عقلاء به چیزی زائد بر این بیانات احتیاج داریم. ممکن است این سخن در سیره گفته شود که برای رد آن نیاز به بیان زائد بر عمومات و اطلاقات است؛ اما در بنای عقلاء نمی‌توان چنین ادعایی کرد.

این در بنای عقلایی غیر معاصر بود. همین سخن را ما در بنای عقلایی معاصر معصوم نیز بیان می‌کنیم و آن دو استدلالی که ممکن است برای حجیت سیره بیان شود، در بنای عقلایی معاصر معصوم نیز جاری نمی‌شود. به این بیان که سکوت در برابر یک بنای عقلایی که به سیره تبدیل نشده، ظهور حالی بر رضایت ایجاد نمی‌کند. نیز برای حجیت بنائات عقلاییه معاصر معصوم نمی‌توان به قاعده لطف تمسک جست؛ زیرا در بنای عقلایی، بیانات کلیه و مطلقه یا بیانات مربوط به اصول عملیه کفایت می‌کند؛ زیرا این بناء، تبدیل به سیره نشده است؛ به عبارت دیگر عقل حکم نمی‌کند که شارع باید بیانی زائد بر بیانات مطلقه و عمومات مخالفه با آن بنای عقلایی داشته باشد.

نوع چهارم بنای عقلایی، بنای عقلایی ای است که به سیره منتهی شود. بحث از این نوع بنای عقلایی، در بحث از سیره عقلاییه خواهد آمد ان شاء الله.

بررسی حجیت عرف عقلاء

آیا عرف عقلاء می تواند کاشف از حکم شرعی باشد یا خیر؟
ما در بیان تفاوت بین عرف عقلاء، بنای عقلاء و سیره عقلاء به این نکته اشاره کردیم که عرف عقلاء، دو حوزه کاربردی دارد:

یک حوزه کاربردی عرف عقلاء، حوزه شبهات مفهومی (بیان معانی الفاظ) است. با اینکه مرجع اصلی در تشخیص معانی الفاظ عرف اهل لغت است؛ اما گاهی عرف عقلاء نیز در تشخیص معانی الفاظ و جمل اثر دارد و قرینه متصله درست می کند؛ مانند امر صادره از سافل به عالی که ظهور در وجوب نداشته و به معنای التماس است؛ در حالی که امر عالی به سافل، ظهور در وجوب دارد؛ این تفاوت در ظهور، ناشی از یک عرف عقلایی است.
حوزه دیگر کاربرد عرف عقلاء، در شبهات مصداقیه یعنی تطبیق مفاهیم کلی بر مصداق است. اگر شک کردیم که شیئی مصداق یک مفهومی است یا مصداق آن نیست، گاهی عرف عقلاء مرجعیت دارد.
در اینجا که بحث می کنیم، بحثمان در شبهات مفهومی نیست؛ یعنی در عرفی که ظهور ساز است بحث نمی کنیم. عرفی که ظهور ساز است، موضوع حجیت ظهور را ایجاد می کند که در بحث حجیت ظهور به آن می پردازیم. بنابراین بحث در حجیت از کشف حکم شرعی در شبهات مصداقیه است.

انواع شبهات مصداقیه

شبهه مصداقیه بر چند نوع است که باید بررسی کنیم که مرجعیت عرف عقلاء در کدام یک از این انواع شبهه مصداقیه معتبر است؛ لذا اقسام شبهات مصداقیه را بیان می کنیم و به بررسی مرجعیت عرف عقلاء در آنها می پردازیم.

شبهات مصداقیه ناشی از عروض عارض

نوع اول از شبهات مصداقیه، شبهات مصداقیه ناشی از عروض عارض بر مصداق یک مفهوم است؛ مانند بحثی که در ماء مطلق وجود دارد که اگر آب، با گل مخلوط شد، مانند سیلاب هایی که رنگ آب تغییر کرده است و به رنگ گل در آمده، آیا می توان با چنین آبی طهارت حاصل کرد؟ این آب مطلق است یا مضاف؟ این شبهه مصداقیه، ناشی از عروض عارضی (گل) بر مصداق حقیقی مفهوم آب است. در این نوع از شبهات مصداقیه، شکی نیست که عرف عقلاء در تطبیق مفهوم بر مصداق حجیت دارد؛ زیرا مخاطب این خطاب ها، عرف عقلاست. خداوند می فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾^۱

و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم.

مخاطب این دستورات، عرف عقلاء هستند؛ اگر عقلاء گفتند «مَاءٌ طَهُورًا»، بر این آب نیز صدق می کند، حجیت خواهد داشت.

البته اگر مسأله از مسائلی باشد که نیاز به تشخیص علمی باشد؛ مانند اینکه اگر در مواقعی خون به رنگ سفید درآمد، و علم ثابت کرد که این خون است که مثلاً در اثر غلبه گلبول سفید در خون، خون به رنگ سفید درآمده، این تشخیص علمی معتبر خواهد بود و در چنین مواردی عرف عقلاء خود، به تشخیص علمی رجوع می کنند و عرف، مرجعیت تشخیص علمی را می پذیرد؛ اما اگر عرف محکمی وجود داشته باشد که برخلاف تشخیص علمی باشد و بگوید تشخیص علمی در این مسأله دقت هایی می کند که برخلاف عرف است، در چنین جایی مرجع، عرف عقلاست؛ مانند دقت های فلسفی که در فقه نیز گاهی صورت می گیرد. این دقت های فلسفی که عرف آنها را نمی پذیرد، در تطبیق مفهوم بر مصداق اثر و حجیت ندارد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین